

خاطر اطلی از سفر نیکسون به چین

۲

شهر ممنوع الورد

در مرکز پکن در مقابل « کاخ بزرگ ملت » محوطه وسیعی که به وسیله دیوارهای سرخی محصور گردیده ، قرار گرفته است . این محوطه دومدخل بزرگ دارد که هر يك از آنها به خودی خود يك بنای دو طبقه می باشد و این محل اسرارآمیز را موزتر جلوه می دهند .

این محوطه بزرگ « شهر ممنوع الورد » را که شامل در حدود سی کاخ و متعلقات آن می باشد ، در بر می گیرد . این کاخها با رعایت هم آهنگی و نظم دقیقی ساخته شده اند . در درون این محوطه بیش از ۹۰۰۰۰ اطاق ، باغات متعدد ، مجسمه های برنزی و جواهرات قدیمی یافت می شود . مجموعه این کاخها یادگار حیرت انگیزی از دوران حکومت دو سلسله اخیری که از سال ۱۴۰۶ تا ۱۹۱۱ در چین سلطنت نمود ، و این شهر را پایتخت خود قرار داده بودند ، بشمار می رود .

امپراطورهای چین که در داخل این محوطه می زیستند خود را حکمران يك کشور معمولی نمی دانستند بلکه معتقد بودند که بر مرکز قدرت جهان فرمانروایی می کنند . آنها مللی را که در خارج از مرزهای چین می زیستند جزء اقوام وحشی بشمار می آوردند .

موقعی که نیکسون از این کاخها بازدید بعمل می آورد ، برف سنگینی می بارید و راهنمای رئیس جمهور باو هشدار داد که در بالارفتن از پله های چوبی یخ زده و لغزنده ، احتیاط را رعایت کند . نیکسون در حالی که سر برهنه بود ، از تالارهای سلطنتی مختلف بازدید می کرد . مأمورین چینی ضمن ادای توضیحات درباره این محل به او گفتند « ما چینی ها این جا را شهر ممنوع الورد نمی خوانیم بلکه از آن بعنوان مجتمع کاخهای امپراطور های قدیم یاد می کنیم . » در حقیقت وجود این شهر که مظهر عظمت دوران امپراطوری چین می باشد ، کمونیست ها را تا حدودی دچار محذور نموده است . بنابراین کمونیست ها برای رفع این محذور ادعا می کنند که شهر مذکور طرز زندگی امپراطورها را منعکس نمی سازد بلکه « نمونه ای از ذوق ، سلیقه و استعداد هنری مردم زحمتکش قدیم چین در فن معماری و ساختمان بشمار می رود . »

در پشت دیوار این شهر ، موزه ای وجود دارد که در آن گنجینه ای از آثار باستانی به معرض نمایش گذاشته شده است . این آثار از حفریاتی که از سال ۱۹۴۹ به این طرف انجام گردیده ، به دست آمده است . دو فقره از آثار کشف شده اخیر با گرانبهاترین آثار هنری جهان برابری می کند . یکی از آنها يك دژ سفالی شش طبقه ای است که به ۲۰۰ سال قبل

از میلاد تعلق دارد . این اثر به اندازه‌ای ظریف ساخته شده است که شاهکاری در قرن سفلی گری بشمار می‌رود . اثر دیگری که از این هم نفیس‌تر است مجسمه برنزی اسبی است که متعلق به ۲۰۰۰ سال پیش می‌باشد . این مجسمه اسبی را نشان می‌دهد که با چنان سرعتی دویده است که یک پرستوی در حال پرواز را زیر پای خود گرفته است . بدون شك این اثر که اگر « فیدياس » (۱) زنده بود مورد تحسین اوقرامی گرفت ، یکی از زیباترین نمونه‌های هنر مجسمه‌سازی جهان بشمار می‌رود .

هانکچو شنبه ۲۶ فوریه

آنچه ما را مشتاق مسافرت به این شهر که در هفتصد کیلومتری جنوب پکن واقع بود می‌ساخت زیبایی افسانه‌ای آن بود . «مارکوپولو» در سفرنامه خود «هانکچو» را بزرگترین شهر دنیا می‌خواند و درباره آن چنین می‌نویسد : « در این شهر به اندازه‌ای وسائل تفریح وجود دارد که انسان خورا در بهشت تصور می‌کند .»

یکی از مناظر زیبای این شهر دریاچه نسبتاً بزرگی بود که در وسط آن جزایر کوچکی دیده می‌شدند که به وسیله معبرهای سنگینی به ساحل دریاچه اتصال پیدا می‌کردند . رودخانه بزرگی به خلیج زیبایی می‌پوست . کوهها از دو طرف شهر را دربر گرفته بودند . هوا بسیار مطبوع و ملایم بود .

زیبائی «هانکچو» از دستبرد زمان مصون مانده است و ماهمه تحت تأثیر مناظر بدیع این شهر قرار گرفتیم .

شانگهای یکشنبه ۲۷ فوریه

صبح روز یکشنبه به شانگهای که زمانی غرب‌زده‌ترین شهر چین بود ، وارد شدیم . قرار بود اعلامیه مربوط به توافق‌هایی که بین نیکسون و رهبران چین حاصل شده ، در این شهر انتشار یابد .

من در طول اقامت در چین چندین بار نیکسون را از نزدیک دیده بودم . یکبار در چین بازدید از دیوار چین و بار دیگر در شهر ممنوع‌الورود و بالاخره با رسوم در پارک زیبای شهرها نکچو با او ملاقات کرده بودم . در یکی از این ملاقاتها وی به من گفت که مسافرت او به چین بیش از آنچه انتظار داشته ، موفقیت‌آمیز بوده است .

موقعی که نیکسون در شانگهای از یک نمایشگاه صنعتی بازدید بعمل می‌آورد ، من با او که مشغول گفتگو با چوئن‌لای بود ، لحظه‌ای تنها ماندم . آنها درباره عصر حاضر که گاه

«عصر فشار دادن دکمه‌ها» خواننده می‌شود مشغول صحبت بودند. نیکسون گفت: «ما باید مواظب باشیم که دکمه عوضی را فشار ندهیم.» «چوئن‌لای» سر خود را به علامت تصدیق تکان داده و گفت: «ما باید دکمه‌ها را فقط برای کارهای سازنده فشار دهیم.»

بعقیده من رفتار نیکسون در طول این مسافرت بسیار عالی بود. او در بر خور با اشخاص کاملاً رعایت ادب و نزاکت را می‌کرد و اغلب تشریفات رسمی را کنار می‌گذاشت و با خوشروئی با مردم صحبت می‌کرد. گاه به سبک چینیان با میله‌های چوبی غذا می‌خورد و اغلب به افتخار میزبانان خود مشروب می‌نوشید. وی به بهترین نحو نقش شخصی را که در آن زمان برای بهبود بخشیدن به روابط چین و آمریکا مورد نیاز بود ایفا می‌کرد و خلاصه با رفتار دوستانه خود، با میزبانان خویش کنار می‌آمد.

من قبل از مسافرت به چین درباره «بانوی اول آمریکا» یعنی خانم نیکسون چیزی جز آنکه میزبان مهربانی است، نمی‌دانستم. از آنجائی که من پیش از سایر خبرنگاران از اوقات فراغت برخوردار بودم، بعضی از آزمایش‌ها که انجام آنها برای سایر خبرنگاران بعلت کثرت مشغله آنها مقدور نبود، به من محول می‌شد. قبلاً ما موریت یافته بودم که در بازدیدهای مختلفی که خانم نیکسون بعمل می‌آورد، همراه او باشم.

هر قدر بیشتر به طرز رفتار او آشنائی شدم احترام زیادتری نسبت به او احساس می‌کردم. غالب اوقات مردم برای اینکه خانم نیکسون را از نزدیک ببینند دور او را احاطه می‌کردند و گاه او در میان فشار جمعیت قرار می‌گرفت ولی هیچگاه خونسردی خود را از دست نمی‌داد و ابراز ناراحتی نمی‌کرد. همیشه تبسمی بر لب داشت و با مردم با لحن دوستانه و بی تکلف صحبت می‌کرد. اغلب حاضر می‌شد که با گروه‌های مختلف عکس بردارد و تشخیص می‌داد که در هر موقع چه تصمیمی را باید اتخاذ کند. در طی بازدیدی که از یکی از مدارس بعمل می‌آورد، مدیر مدرسه که احساس می‌کرد میهمان عالی‌قدرش خسته شده است گفت: «برای گروه دیگری از کودکان باید دو راه پله را پیمود علاوه اطاق این کودکان سرد است و وسیله‌ای برای گرم کردن آن وجود ندارد. بنابراین شاید بهتر باشد که از ادامه این بازدید منصرف شوید.» خانم نیکسون پاسخ داد که اگر بدیدن کودکان نرو آنها آزرده خاطر خواهند شد. آنگاه شروع به بالا رفتن از پله‌ها نمود.

من در پایان اقامت در چین باین نتیجه رسیدم که «پات نیکسون» همسر رئیس جمهوری آمریکا، یک زن جذاب، یک سیاستمدار ورزیده، یک بانوی با اراده و خلاصه مناسب‌ترین شخصی بود که می‌توانست نقش بانوی اول آمریکا را در منطقه پر مخمسه‌ای مانند چین به خوبی ایفاء کند. من کمتر کسی را سراغ دارم که بتواند چنین مأموریتی را بهتر از او انجام دهد.

وضع زنان در چین کمونیست

من بسیار علاقمند بودم که درباره آزادی‌هایی که چین کمونیست برای زنان قائل شده است اطلاعاتی به دست آورم. در نتیجه تحقیقاتی که از تعدادی از زنان بعمل آوردم اطمینان حاصل کردم که اصل تساوی دستمزد زنان و مردان در مقابل کار مساوی عملاً رعایت می‌گردد.

من از کارگاه‌های متعددی که نصف کارگران آنها را زنان تشکیل می‌دادند بازدید بعمل آوردم. فقط مدیر یکی از این کارگاه‌ها زن بود. به من گفته شد که برای دستمزدها ۸ پایه با حقوق ۱۴ تا ۴۵ دلار در ماه معین گردیده است و در هر پایه زنان و مردان دستمزد مساوی دریافت می‌دارند ولی زنان بندرت به پایه‌های بالا ارتقاء می‌یابند. من یکی از عکسهایی را که از رهبران چین برداشته شده بود، دیدم. در این عکس ۱۷ مرد و فقط یک زن مشاهده می‌شد و آن زن هم «چیانگ‌چینگ» (۱) همسر مائو بود.

تا آنجائی که مشاهدات من نشان می‌داد، در دستگاه‌هایی که کارهای سنگین انجام می‌دادند، ۵۰ درصد کارگران از زنان تشکیل می‌یافت. مشاغل از قبیل نظافت خیابانها، جمع‌آوری محصولات کشاورزی، کار کردن در کارخانه‌ها، فروشندگی در مغازه‌ها، معمولاً به زنان سپرده می‌شود و حال آنکه مشاغل مربوط به مدیریت، به مردان اختصاص داده می‌شود.

اعلامیه مشترك

در ساعت پنج بعد از ظهر طبق دعوتی که بعمل آمده بود، در يك سالن بزرگ، اجتماعات حضور یافتیم. در آنجا نسخه‌های اعلامیه مشترك مذاکرات چین و آمریکا که در ۴ صفحه تنظیم شده بود، بین ما توزیع گردید. من هیچوقت يك جمعیت صد نفری را ندیده بودم که با چنین دقت و سکوتی بخواندن مطلبی بپردازند.

اختلافات بین چین و آمریکا به اندازه‌ای عمیق است که هر يك از طرفین اصولی را که غیر قابل انعطاف می‌دانستند بار دیگر مورد تأیید قرار داده بودند. در اعلامیه نظرات آمریکا چنین بیان شده بود:

« ایالات متحده آمریکا برای تأمین يك صلح عادلانه و پایدار خواهد کوشید و از آزادیهای فردی و پیشرفت‌های اجتماعی تمام ملل جهان حمایت خواهد کرد. »
نظرات چین به این شرح اعلام شده بود:

Chiang Ching - ۱

« چین از مبارزات کلیه ملل ستم دیده مجدانه پشتیبانی می کند و با احیاء و توسعه

بلیتاریسم ژاپن شدیداً مخالفت می ورزد . »

سپس اعلامیه مشترك به ذکر بعضی از توافق هائی که بین طرفین حاصل شده بود پرداخته بود که برخی از آنها به این شرح است : « علاقه متقابل طرفین به عادی ساختن فی مابین - تلاش برای تخفیف دادن خطر برخورد نظامی - مخالفت باسلطه چین ، ایالات متحده آمریکا و یاهر کشور ثالث دیگری (منظور روسیه یا ژاپن است) بر منطقه آسیائی اقیانوس آرام - تعهد چین و آمریکا مبنی بر اینکه هیچکدام از آنها از طرف دولت ثالثی قراردادی منعقد ننمایند . » بعلاوه چین و آمریکا موافقت نموده بودند که در موقع مقتضی به مبادلات فرهنگی و توسعه بازرگانی پردازند و نمایندگان آنها هر چند وقت یکبار برای انجام مذاکرات دیپلماتیک با یکدیگر ملاقات کنند .

موضوعی که باقی می ماند مسئله بفرنج حکومت چیانگ کایچک «در تایوان» (فرموز) بود . در این مورد اختلاف نظر عمیق و تقریباً غیر قابل حلی بین چین و آمریکا وجود داشت . چین روی نظریه خود مبنی بر اینکه «تایوان» یکی از ایالات چین محسوب می گردد و بنا - بر این آمریکا باید نیروهای خود را از آنجا خارج سازد پافشاری می کرد . آمریکا تصدیق می کرد که فقط یک چین وجود دارد و «تایوان» جزء آن می باشد ولی ضمناً علاقه خود را مبنی بر اینکه مسئله تایوان باید از طرق مسالمت آمیز به وسیله خود چینی ها حل شود ، اعلام داشته و قول می داد که نیروها و تأسیسات نظامی خود را در تایوان به موازات تخفیف یافتن بحران در این منطقه ، کاهش دهد .

پس از آنکه ما اعلامیه را خواندیم ، زمزمه ای حاکی از عدم رضایت در سالن پیچید زیرا از مورد سطحی این سند ، چنین استنباط می گردید که آمریکا مزایای زیادی به چین داده است بدون آنکه در مقابل چیزی به دست آورده باشد .

بعضی از خبرنگاران قصد داشتند گزارش هائی را که به روزنامه های خود درباره اعلامیه مشترك چین و آمریکا می فرستند ، با جملات اعتراض آمیز شروع کنند ولی بعداً از این تصمیم منصرف شدند زیرا بررسی دقیق تر اعلامیه نشان می داد که نتایج مفیدی از مذاکرات بین رهبران چین و آمریکا حاصل شده است . مثلاً تصمیم هائی بر علیه آمریکا در مورد ویتنام اتخاذ نشده بود و صحبتی از اینکه سفیری از آمریکا برای اقامت در پکن اعزام گردد ، به میان نیامده بود . از طرف دیگر به دشمنی خطرناک بیست ساله بین آمریکا و چین خاتمه داده شده و امکان برقراری روابط عادی بین دو کشور به وجود آمده بود و رهبران چین و آمریکا فرصت یافته بودند که از نظریات یکدیگر آگاه گردند و هم را بهتر بشناسند . همین پیشرفتها نتایج قابل توجهی بشمار می رفتند .

در مورد مسافرت نیکسون به چین می توان گفت که اصولاً صورت گرفتن چنین مسافرتی صرف نظر از نتایج آن ، به خودی خود معجزه ای بشمار می رود. ده سال پیش ریچارد نیکسون چین کمونیست را مورد نکوهش قرار می داد و فقط يك سال قبل بود که مائو بیانات آتشینی درباره آمریکا ایراد کرده و طی آن گفت :

« امپریالیسم آمریکا ضمن دست زدن به کشتار مردم سایر کشورها ، در کشور خود نیز سیاه پوستان و حتی سفیدپوستان را به قتل می رساند. فجایع فاشیستی نیکسون آتش خشم نهضت های انقلابی توده ای را شعله ور می سازد. من یقین دارم که حکومت فاشیستی آمریکا بالاخره شکست خواهد خورد. »

حال در نتیجه سفر نیکسون به چین ، دودشمن قدیمی خصومت و کدورت های گذشته را فراموش کرده و با ممانت و خوش بینی دوره جدیدی از مناسبات را آغاز می کردند . ما خبرنگاران در آخرین روز اقامت مان در چین مورد تویخ قرار گرفتیم . دولت چین برای قدردانی از مهمانان آمریکائی که در مدت اقامت خود در آن کشور مزاحمتی ایجاد نکرده بودند ، هدایائی به هر يك از آنها اعطاء کرد. متخصصین فنی آمریکائی گلدانهای چینی گرانبھائی بعنوان هدیه دریافت داشتند ولی به هر يك از ما خبرنگاران فقط چند کیلو شیرینی خشک دادند. از یکی از مترجمان علت این تبعیض را استفسار کردم. وی گفت : « متخصصان فنی جزء طبقه کارگر و زحمتکش محسوب می شوند و بنابراین استحقاق دریافت بهترین هدایا را دارند. » پرسیدم به عقیده او خبرنگار از چه طبقه ای می باشند ؟ پاسخ داد : « ما معتقدیم که نویسندگان جزء انکلهای جامعه بشمار می روند. »

موقعی که خود را برای ترک گفتن کشور چین آماده می ساختم ، دستخوش احساسات متضادی گردیده بودم. من در این سفر چیزهای زیادی آموختم. مثلاً اگر این مسافرت صورت نمی گرفت پی نمی بردم که چین ملت جوانی است که به وسیله پیر مردان اداره می شود. اگر شدت عملی که کمونیست ها در انقلاب فرهنگی نشان دادند ، ملاک قضاوت قرار گیرد ، باید برای چین پس از کنار رفتن مائو و چوئن لای در انتظار بروز مشکلات فراوانی بود. ولی من علائمی حاکی از عدم رضایت مردم از رژیم فعلی مشاهده نکردم. از موقع روی کار آمدن مائو اوضاع نسبت به سابق بهتر شده است . خواب و بار به اندازه کافی وجود دارد و نظم در کشور برقرار است .

با اینهمه تصویری که در ذهن من از چین معاصر باقی مانده تصویری است از يك سرزمین ملال انگیز که در آن ارباب ، دیکتاتوری و تعصبات اخلاقی بيمورد حکمفرمائی می کنند . من هیچوقت گفتگویی را که بین يك خبرنگار آمریکائی و راهنمای اودریک کارخانه ای که دارای ۸۰۰ نفر کارگزن و مرد جوان بود ، صورت گرفت ، فراموش نخواهم کرد . خبرنگار

آمریکائی پرسید اگر یکی از کارگران مرد کارخانه بایکی از کارگران روابط عاشقانه بر -
قرارداد چه خواهد شد. راهنما که از این سؤال یکه خورده بود گفت : «چنین اتفاقی
هرگز رخ نخواهد داد.»

خبرنگار گفت : «فرض کنیم چنین حادثه‌ای به وقوع بپیوندد در این صورت چه
پیش خواهد آمد ؟ » راهنما پس از اندکی تفکر پاسخ داد : « تصویری کم درچنین موردی
کمیته انقلابی این دونفر را احضار کرده و آنها را متوجه عواقب خطائی که مرتکب گردیده‌اند
خواهد ساخت .»

خبرنگار پرسید «اگر آنان همچنان به روابط عاشقانه خود ادامه دهند چه خواهد شد؟»
راهنما پاسخ داد : « در این صورت کمیته انقلابی چاره‌ای جز این نخواهد داشت که آنان را
بعلت تخلف از تعلیمات رهبر (مائو) و اتلاف وقتی که باید صرف کارهای سازنده گردد ،
زندانی کند .»

من در طی يك ربع قرن اخیر باچینی‌های پرسروصدای ساکن « هونولولو» (۱) ،
«سنگاپور» و «هونگ کونگ» بسیار تماس داشته‌ام. در این نقاط مردان چینی باچنان شوق و
شغفی به بازی «ماهجونگ» (۲) می‌پرداختند که فریادها و صدای خنده آنها تا چندین خیابان
دورتر به گوش می‌رسید. همچنین من دیده بودم که تا چه اندازه آنها ازرقصیدن و نظر بازی با
دختران زیبا لذت می‌بردند . بنابراین نمی‌توانم باور کنم که مائو بتواند ، برای همیشه این
شور و عشق بزنگی را از بین ببرد. بالاخره روزی این شوق و شور باز خواهد گشت .

دروهله اول هر آمریکائی‌یی که شهرهای شگفت‌انگیز چین را که از بسیاری از بی-
نظمی‌های اجتماعی مصون مانده‌اند ، می‌بیند ، نمی‌تواند از خود نپرسد که : « چرا نباید
شهرهای ما هم اینطور باشد ؟ »

دونفر از کارشناسان فنی آمریکا به من گفتند : « شاید موقع آن رسیده باشد که ما
بعضی از عقاید مائو را در کشور خود به کار بندیم .»

با اینهمه در پایان این مسافرت تقریباً همه ما به این نتیجه رسیده بودیم که
پیشرفت‌های چین به قیمت گرانی یعنی به بهای از بین رفتن آزادی‌های فردی به دست آمده است.
وظیفه امروزی چین پیدا کردن راهی است که بتوان ضمن حفظ نظم کشور ، به مردم تاحدودی
آزادی داد. از طرف دیگر وظیفه آمریکا آن است که ضمن حفظ آزادیهای فردی ، حس‌پای بند
بودن به انضباط و نظم را به مردم بازگرداند .

Honolulu - ۱

Mah Jongg - ۲

ماتانجند سال دیگر نخواهیم توانست اثرات سیاسی بلند مدت این مسافرت را ارزیابی کنیم. ولی پیروزی پایداری که در طی این سفر هفت روزه به دست آمد روشن است. پس از گذشت ۲۰ سال آمریکائیان باردیگر چین را دیدند. آنها از طریق تلویزیون باچوئن لای نخست وزیر چین شام صرف کردند، همراه نیکسون رئیس جمهور آمریکا از دیوار عظیم چین بازدید نموده و وارد شهر ممنوع الورد شدند و با کارگران و کودکان چینی ملاقات کردند. از طرف دیگر رهبران چین به نوبه خود آمریکائیان را از نزدیک دیدند و روزنامه نگاران چینی با خبرنگاران آمریکائی ملاقات و بحث کردند و تحت تأثیر آزادی‌هایی که آمریکائیان از آن برخوردارند، قرار گرفته و معجزه ماهواره‌های تلویزیونی را مشاهده کردند و بارها آمریکائیان را به لحاظ تخصص‌های فنی پیشرفته آنها مورد ستایش قرار دادند. من با عقیده‌ای که نیکسون در موقع مراجعت به واشنگتن درباره مسافرت خود به چین ابراز داشت کاملاً موافقم. وی چنین گفت: «هدف اصلی این مسافرت برقراری مجدد

روابط با جمهوری خلق چین پس از يك نسل خصومت بود. ما به این هدف نائل آمدیم.» دروغش را هنوز معلوم نکرده‌ام این غروبی شنیدم میرزا علی امین اصناف که تحویلدار غله بوده آنرا هم گرفتند و جناب آقا سید محمد صدرالمحققین در قونسولخانه انگلیس پناهنده شده و در کربلا نصیر دیوان و علی پاشاخان و حاج حسنخان و امین‌الممالک راهم گرفتند راست و دروغ معلوم نیست.

و اما والا حضرت اقدس والا دو شب در کاروانسرای ماهیدشت توقف می‌فرمایند و مخدره را به خانه سردار مظفر درگیلان می‌فرستند و خودشان از بی‌آذوقه حرکت می‌کنند بعضی می‌گویند به دایچی و خالصه تشریف برده‌اند و بعضی می‌گویند به طرف شیان تشریف فرما شده‌اند منتظرند استعداد کامل جمع بشود و یکم تبه به شهر حمله کنند ما بیچاره‌ها شب و روز در وحشت و تزلزل هستیم تا خداوند چه خواسته باشد اگر چه مجاهدین غیور و اهل شهر خوب مواظب و مراقبند ولی اگر حضرت والا فرمانفرما زودتر می‌رسیدند اسباب قوت قلب اهالی می‌شد. از قرار مذکور والی پشت کوه هم گویا به رحمت خدا رفته راست و دروغ هنوز معلوم نشده امیدوار به خداوند هستیم که خودش حفظ فرماید.

نورچشمی آقا وزیر حفظه‌اله تعالی و سایر نورچشمان و والدہ جناب معتضد دفتر و اهل خانه الحمدلله سلامت هستند. امروز يك رأس اسب جلوداری از مالهای غارت شده سرکار عالی دیدیم و پس گرفتیم اطلاعاً عرض شد از سلامتی حالات خودتان مرقوم فرمائید اگر حضرت والا فرمانفرما زودتر می‌رسیدند عرض می‌کردم تشریف بیاورید. زیاده زحمت است.

امضاء

جناب میرزا عبدالعلی خان مدیر دفتر رسیدند ولی دستخط حضرت تعالی را نرساندند ز قرار مذکور در صحنه مصلحتاً کاغذها را پاره کرده‌اند.

امضاء